سبک زندگی و سیره امام رضا(ع)

امام رضا(ع) برترین الگوی رفتار اجتماعی

علی‌اصغر معصومی _ بخش دوم و پایانی

در نخستین بخش از مطلب سبک زندگی امام رضا(ع) به جلوه‌هایی از سیره عبادی آن حضرت اشاره شد. در ادامه به برخی از جنبه‌های اجتماعی سیره آن امام بزرگوار که می‌تواند الگویی برای همه دوستداران آن حضرت باشد می‌پردازیم.

***

رفتارهای اجتماعی شخص تابع روحیات و فضایل و منش‌های اخلاقی و ویژگی‌های فردی است. هر کسی بر اساس شاکله و شخصیت ساخته شده‌اش عمل می‌کند.(اسراء، آیه ۸۴) با نگاهی به ویژگی‌های شخصیتی امام رضا(ع) می‌توان رفتارهای اجتماعی ایشان را نیز شناسایی کرد، چنانکه رفتارهای اجتماعی ایشان بازتابی از روحیات فردی و شخصی ایشان است. در اینجا به برخی از ویژگی‌های شخصی و روحی آن حضرت اشاره می‌شود.

۱. زهد و ساده‌زیستی امام(ع)

زهد به معنای عدم دلبستگی به دنیا و متاع آن است نه عدم استفاده از آن در حد معقول و مقبول. از این رو، مومنان و بندگان صالح خداوند اهل زهد هستند و با ساده‌زیستی خویش نشان می‌دهند که دلبسته به دنیا نیستند و آنچه دارند بخشی اندک را خود استفاده و بخش اعظم آن را انفاق می‌کنند و در راه خدا می‌بخشند.

ابنُ شَهْر آشوب می‌گوید: سفیان ثوری امام(ع) را در لباس خز مشاهده کرد، گفت: ای فرزند پیامبر! اگر لباسی بی‌ارزش‌تر از این می‌پوشیدی [بهتر بود] امام فرمود: دستت را بیاور، سپس دستش را گرفت و آن را زیر آستینش برد، در زیر آن، لباس خشن پشمی را ملاحظه کرد، امام فرمود: ای سفیان لباس خز برای مردم است و لباس خشن برای خداست.(مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۰)

در طول تاریخ صوفیان پشمینه‌پوشی بودند که برخلاف زهدی که به نمایش می‌گذاشتند دلبسته به دنیا بودند. اینان همان ریاکاران مردم‌فریبی هستند که در ظاهر خود را زاهد و پارسا نشان می‌دهند امّا اهل دنیایند. ولی مخلصان، زندگی ساده دارند، هرچند برای حفظ آبروی خود و رعایت شأن اجتماعی، ظاهرشان آراسته است ولی در باطن ساده‌زیستی را در پیش می‌گیرند. امام در حقیقت(ع) به این نکته اشاره دارد.

اَبی عُبّاد نیز درباره ساده‌زیستی و زهد آن حضرت(ع) می‌گوید: بساط امام رضا(ع) در تابستان‌ها حصیر و در زمستان‌ها گلیم پشمی و پوشش آن بزرگوار لباس خشن بود و هنگامی که برای مردم ظاهر می شد خودش را برای آنان می‌آراست.(عیون اخبارالرضا ۲: ۱۹۲ ح۱)

۲. ادب امام(ع)

ادب مجموعه‌ای از ظرائف رفتاری با توجه به مقام و موقعیت و اهتمام به ریزه‌کاری‌های رفتار اجتماعی است. به‌عنوان نمونه اینکه انسان همواره تبسم بر لب داشته باشد، بیانگر سرور باطنی اوست که در شکل تبسم خودنمایی می‌کند. اهل بهشت اهل تبسیم هستند و پیامبر(ص) و معصومان(ع) نیز این‌گونه بوده‌اند. اِبْراهیمُ بْـنُ الْعَبّاسِ درباره ادب امام(ع) می‌گوید: امام را هرگز ندیدم که یکی از غلامان و خدمتکارانش را ناسزا بگوید و یا آب دهانش را به زمین انداخته و در خنده‌اش قهقهه نماید بلکه خنده او تبسم بود. (عیون اخبار الرضا، ج ۲،ص ۱۹۷، ضمن ح ۷)

البته شکی نیست که دشنام دادن، آب دهان انداختن، خنده بلند و با قهقهه، نشانه‌هایی از بی‌ادبی در معاشرت است. آن حضرت، الگوی متانت و وقار و ادب بود و خنده او هم بی صدا و به‌صورت لبخند و تبسّم بود و با همه، حتی زیر دستان و خدمتکاران هم بزرگوارانه برخورد می‌کرد.

۳. کرامت امام

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روحی و رفتاری معصومان(ع) و مومنان، کرامت و بزرگواری است. اینان در اوج مکارم اخلاقی بودند و نه تنها کسی که دشنام می‌داد را عفو می‌کردند و از او می‌گذشتند، بلکه حوائج مشروع آنان را روا می‌داشتند و به آنان بی‌منت اطعام و انفاق می‌کردند. این سلوکی است که قرآن درباره مومنان و عبادالرحمن بیان کرده است.(فرقان، آیه ۷۲) ابن ابی الحدید معتزلی یکی از علمای بزرگ اهل سنت می گوید: علی بن موسی‌الرضا(ع) داناترین، باسخاوت‌ترین و بزرگوارترین مردم از جهت اخلاق و رفتارهای انسانی بود. (شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۹۱)

۴. علم امام

یکی از گروه‌هایی که به شدت با امامت امام رضا(ع) مخالفت می‌کردند، گروه واقفیه با رهبری علی بن ابی حمزه بطائنی است. امام کاظم(ع) اینان را می‌شناخت و می‌دانست روزی علیه امامت ایشان می‌ایستند. از این رو، بارها به اشکال گوناگون بر امامت امام رضا(ع) در نزد افراد گوناگون تأکید داشت. بیان علم ایشان از سوی امام موسی کاظم(ع) به‌ویژه علم امامت از آن رو بود تا کسی درباره امامت آن حضرت تردیدی روا ندارد.

به سخن دیگر، به سبب مخالفت‌هایی که احتمال می‌رفت نسبت به امامت امام رضا(ع) بشود، امام کاظم(ع) همواره با توجه به شرایط ،اشاراتی به امامت ایشان داشت. ستایش‌هایی که امام کاظم از فرزند بزرگوارش امام علی بن موسی‌الرضا داشت و مثلا او را بزرگ‌تر، مطیع‌تر و داناتر از دیگر فرزندانش می دانست، اشاره به فضایلی است که او را شایسته امامت پس از خویش می ساخت و انتظار داشت او را حجّت الهی بشناسند و اطاعت کنند. امام کاظم(ع) فرموده است: عَلِیّ ابنی أَکْبَرُ وُلْدی وَ أَسْمَعُهُمْ لِقَولی وَ أَطْوَعُهُمْ لِأَمْری، یَنْظُرُ مَعی فی کِتابِ الْجَفْرِ وَ الْجامِعَةِ وَلَیْسَ یَنْظُرُ فیه إلاّ نَبِیٌّ أَوْ وَصِیُّ نَبِیٍّ؛ پسرم علی فرزند بزرگ‌تر من و شنواترین و فرمانبرترین آنهاست، با من در کتاب «جفر» و «جامعه» نگاه می‌کند، در حالی که به غیر پیامبر و وصی پیامبر کسی در آن نظر نمی‌کند. (بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۲۰ ح ۲۵۲)

گفتنی است جفر کتابی است که حوادث جهان توسط حضرت علی(ع) و امامان دیگر در آن نوشته شده است؛ اما جامعه نام کتابی دیگر از حضرت علی(ع) است که رمز همه علوم در آن جمع شده است و هر دو از ودائع امامت است.

۵. مراعات بهداشت و تغذیه سالم

در آموزه‌های اسلامی بر نظافت و طهارت و بهداشت، بسیار تأکید شده و از مومنان خواسته می‌شود که همواره پاک و پاکیزه باشند و پاک و پاکیزه بخورند و بنوشند و هرگز دنبال پلیدی و ناپاکی‌ها نروند. پیامبر(ص) بهداشت را بسیار مراعات می‌کرد و درباره مسواک زدن می‌گفت که اگر بر امت سخت نبود فرمان می‌دادم برای هر نمازی مسواک بزنند. در اسلام برخی از چیزها همانند مسواک از وسایل شخصی است که دیگری نباید از آن استفاده کند. امام رضا(ع) نیز همانند دیگر معصومان(ع) به بهداشت دهان و دندان توجه ویژه‌ای داشت و برای نماز که ملاقات با پروردگار است، مسواک می‌زد؛ زیرا مسواک زدن و دهان‌شویه کردن باعث از میان رفتن بوی بد دهان می‌شود و اصولا هر کسی در مجالس عمومی‌می‌رود باید مسواک زده و خودش را خوشبو کند تا بوی بد از او پخش نشود و دیگران را آزرده نسازد. حضور در پیشگاه خداوند آدابی دارد که اهل خشیت و عبادت آن را مراعات می‌کنند.

در روایت است: امام رضا(ع) ظرف پوستی مخصوصی داشت که در آن پنج عدد مسواک بود و بر روی هر یک از آنها نام یکی از نمازهای پنجگانه نوشته شده بود که در هر نمازی با مسواک مخصوص آن نماز، مسواک می‌زد.(مکارم‌الاخلاق، ص ۵۰)

آن حضرت(ع) به بهداشت بسیار اهتمام می‌ورزید و افزون بر بهداشت دهان و دندان، از عطر و گلاب نیز استفاده می‌کرد تا خوشبو باشد. در روایت است: صولی از مادربزرگ خود روایت می‌کند که از او درباره امام رضا(ع) زیاد سؤال می شد و او می گفت: چیزی از او به یاد ندارم مگر اینکه او را می‌دیدم با عود هندی روغنی بخور می‌کرد و پس از آن گلاب و مشک استعمال می‌کرد. (مکارم الاخلاق، ص ۴۰)

شکی نیست که از جلوه‌های یک زندگی با نشاط، بهره‌گیری از عطر و گلاب و بوهای خوش است که هم روابط را گرم‌تر و صمیمی‌تر می‌کند، هم بر جاذبه و محبّت می افزاید و هم محیطی دلپذیر به‌وجود می‌آورد. عطر زدن هنگام نماز هم مستحب است. پیشوایان دینی پیوسته به عطر و آراستگی ظاهری اهمیت می‌دادند و به این سنت دینی عمل می کردند.

امام همچنین به حجامت توجه داشت، زیرا موجب می‌شود تا بسیاری از بیماری‌ها از شخص دور شود. در حقیقت حجامت نوعی پیشگیری و بهداشت بدن است تا از اجتماع عوامل بیماری‌زا در بدن از طریق خون جلوگیری شود؛ حجامت، یکی از روش‌های درمانی برای تصفیه و تنظیم خون است و در سیره امامان دیگر هم وجود داشته است.

انصاری می‌گوید: بعضی از وقت‌ها که خون امام رضا(ع) به هیجان می‌آمد، در وسط شب حجامت می‌گرفت. (مکارم‌الاخلاق، ص ۷۳)

از آنجا که انگور، میوه‌ای لذیذ با خواص بسیار است و در آیات قرآن هم یکی از میوه‌های بهشتی معرفی شده است، امام به انگور به‌عنوان غذای محبوب علاقه بسیار داشت. از محمد بن جهم نقل شده که گفته است: امام رضا(ع) [از میان میوه‌ها] انگور را بیشتر دوست می‌داشت. (بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۳۰۸)

۶. شعار امام در نقش نگین

هرکسی شعاری را در زندگی بر می‌گزیند و بر آن اهتمام دارد. این شعار در حقیقت بیانگر روحیه شخصی او است؛ هر چند که پیامی نیز به کسانی می‌دهد که می‌خواهند از وی سرمشق بگیرند. این شعار بر روی نگین انگشتری نقش می‌بندد و همواره جلوی چشم خود و دیگران است. نقش نگین امامان، حالتی شعارگونه داشت و اغلب برگرفته از آیات قرآن بود و با همان انگشتر که چنان نقشی داشت، نامه‌ها را هم به‌عنوان امضا، مهر می‌کردند.

یُونُس بْنِ عَبْدِ الرَّحْمانِ درباره شعار و نقش انگشتری امام رضا(ع) می‌گوید: از امام رضا(ع) نقش نگین انگشتر خود و پدرش را پرسیدم؟ امام فرمود: نقش نگین انگشتر من این است: «ما شاءَ اللهُ لاقُوَّةَ إلاّ باللهِ»[آنچه را که خدا بخواهد آن خواهد شد و هیچ قدرتی در جهان آفرینش جز به مشیت خدا وجود ندارد) و نقش نگین انگشتر پدرم «حَسْبِیَ اللهُ» (خدایم کفایت می‌کند) و آن همان انگشتری است که با آن مهر می‌زنم.(وسائل‌الشیعه ۳: ۴۱۰ ح ۳)

۷. یاداشت روزانه

از جمله ویژگی‌های شخصی امام رضا(ع) یادداشت روزانه بود. به این معنا که کارهایی که می‌بایست آن روز انجام دهد را یادداشت می‌کرد. این رویه‌ای است که باید در سبک زندگی به کار گرفت؛ زیرا یادداشت کردن، سبب می‌شود انسان کارهای مورد نظرش را فراموش نکند و همه را انجام دهد. این کار، هم در برنامه‌های روزانه قابل اجرا است، هم در کارهای علمی و پژوهشی. البته از سبک و سیره امام این نکته نیز به دست می‌آید که انسان باید هر چیزی را با نام خدا شروع کند تا خداوند به او کمک نماید و زمینه یادآوری و انجام آن را فراهم آورد. پس خوب است که انسان یادداشت‌ها را با نام خدا آغاز کند.

ابن شعبه الْحَرّانی گوید: وَ کانَ(ع) إذا أَرادَ أَنْ یَکْتُبَ تَذَکُّراتِ حَوائِجِهِ کَتَبَ: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، أَذْکُرُ إنْ شاءَ اللهُ، ثُمّ یَکْتُبُ مایُرِیدُ؛ امام رضا(ع) هروقت که می‌خواست نیازمندی‌هایش را یادداشت کند این چنین می‌نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم ان شاء الله به‌خاطر می‌آورم. سپس هرچه را می‌خواست می‌نوشت.

از نظر اسلام غلامان و خدمتگزاران از نظر انسانی حق و حقوقی دارند و خصلت انسانی ایجاب می‌کند که به آنها توجّه شود. نحوه رفتار امام رضا(ع) با خدمتگزاران و مدارا با آنان، الگوی همه مسئولان و دولتمردانی است که زیردستانی دارند، تا حق انسانی آنان را محترم بشمارند و به عواطف، احساسات، نیازها و استراحت‌شان توجه داشته باشند و فرصتی برای کارهای شخصی و خورد و خوراک به آنان بدهند.

سلیمان بن جعفر جعفری گوید: برای انجام کاری پیش امام رضا(ع) رفته بودم، او با معتّب به خانه‌اش وارد شد، دید غلامانش گِل‌کاری می‌کنند و کارگر غریبی را نیز به کار گمارده‌اند. فرمود: آیا مزدش را تعیین کرده‌اید، گفتند: نه، فرمود: چندین بار من شما را از انجام این کار نهی کرده‌ام و گفته‌ام: هیچ‌کس را برای کاری استخدام نکنید مگر اینکه قبلاً اجرتش را معیّن کرده باشید.

سفیان ثوری امام(ع) را در لباس خز مشاهده کرد، گفت: ای فرزند پیامبر! اگر لباسی بی‌ارزش‌تر از این می‌پوشیدی [بهتر بود] امام فرمود: دستت را بیاور، سپس دستش را گرفت و آن را زیر آستینش برد، در زیر آن، لباس خشن پشمی را ملاحظه کرد، امام فرمود: ای سفیان، لباس خز برای مردم است و لباس خشن برای خداست.

نهایت بلاغت و زیبایی جواب نامه‌هایش را پاسخ می‌داد. (عیون اخبارالرضا ۲: ۲۶۶ ح ۱)

امام جواد(ع) تنها فرزند حضرت رضا(ع) بود و بسیار به وی علاقه داشت و مقام و علم و فضل و برکات وجودی او را مطرح می‌کرد و زمینه امامت او را پس از خود فراهم می‌ساخت. یاد کردنِ با کنیه «ابوجعفر» ونه به اسم، نشانه‌ای از این تکریم و احترام به حضرت جواد بود.

۱۰. احسان و نیکی نهان و آشکار

در سبک زندگی و سیره امامان معصوم گزارش‌های بسیاری از خیررسانی نهانی و آشکار بیان شده است. همه آنان اهل انفاق و احسان و اکرام به دیگران بودند و برخی از آنان بارها همه دارایی خود را نصف کرده و به دیگران بخشیده‌اند. خیررسانی در شب و نهان به مردم و رسیدگی به نیازمندان جامعه بسیار گزارش شده است. ابراهیم بن عباس می گوید: امام رضا(ع) صاحب احسان و صدقه نهانی بود و در بیشتر اوقات در شب‌های تاریک این عمل را انجام می‌داد و هر کسی گمان کند که در فضیلت همانند او را دیده است هرگز او را تصدیق نکنید. (بحارالانوار ج ۴۹: ص۹۱)

مُعَمّرِ بْنِ خَلّادٍ نیز گوید: امام رضا(ع) به هنگام خوردن غذا، سینی بزرگی برایش آورده می‌شد و در کنار سفره‌اش قرار می‌گرفت و آن حضرت از بهترین غذاهایی که برایش آورده می‌شد مقداری بر می‌گزید و در آن سینی بزرگ می‌نهاد، سپس آن را برای فقراء می‌فرستاد.(بحارالانوار ۴۹: ۹۷ ح ۱۱)

این نهایت تواضع، مردم دوستی، خیررسانی و دلسوزی برای بینوایان و محرومان است. قدرتمندان و ثروتمندان خودخواه، اغلب لذایذ و مزایا را برای خود می‌خواهند، ولی اولیای الهی دوست دارند از داشته‌های خود انفاق و احسان کنند و حقوق فقرا و نیازمندان را ادا نمایند.

۱۱. احترام و رسیدگی به امور مردم

احترام به مردم احترام به خود است. مراعات دیگران به‌ویژه در هنگام سخن گفتن نشانه ادب و احترامی‌است که شخص به دیگران می‌گذارد. ائمه(ع) هرگز نسبت به مردم درشت نمی‌گفتند، هر چند درشت و دشنام می‌شنیدند، چنانکه درباره امام حسن مجتبی(ع) و مرد شامی گفته‌اند. همچنین در هر شرایط که بودند اهل انفاق و کمک و یاری مردم بوده و هرگز دست آنان را خالی باز نمی‌گرداندند و به حکم آیات قرآن از جمله آیات ۱۹ سوره ذاریات و ۲۲ سوره معارج عمل می‌کردند.

إِبْراهیمَ بْنِ الْعَبّاسِ می‌گوید: هرگز ندیدم که امام رضا(ع) با سخن خود کسی را برنجاند و سخن کسی را قطع کند تا اینکه سخن خود را تمام بکند و هرگز حاجت کسی را که توان ادای آن را داشت ردّ نمی‌کرد. (عیون اخبارالرضا ۲: ۱۹۷ ح ۷، بحارالانوار ۴۹: ۹۰ ح ۴)

از صولی روایت شده که گفت: مادربزرگم [که مدّتی افتخار خدمتکاری امام رضا(ع) نصیبش شده بود] به ما گفت: امام پس از خواندن نماز صبح در اول وقت، سر به سجده می‌گذاشت تا و دوام نعمت را تنها باید از خدا طلب کند. خداوند در آیات ۲۲ و ۲۳ سوره حدید بیان می‌کند که همه‌چیز از نعمت و مصیبت از نزد خداست هرچند که عامل مصیبت خود انسان است؛ زیرا شکر نعمت بر آدمی و نعمت می‌افزاید و کفر نعمت آن را برباد دهد.

ابراهیم بن عباس درباره تواضع امام(ع) در برابر نعمت‌های الهی می‌گوید: کانَ الرِّضا یُنْشِدُ کَثیرا: إذا کُنْتَ فی خَیْرٍ فَلا تَغْتَرِ رْبِهِ/ وَلکِنْ قُلِ اللّهُمّ سَلِّمْ وَ تَمِّمْ؛ امام رضا(ع) بیشتر اوقات این شعر را زمزمه می‌کرد. هنگامی که در ناز و نعمت هستی به آن مغرور مباش/ بلکه بگو خدایا نعمتت را تمام کن و سلامتی بده. (عیون اخبار الرضا ۲: ۱۹۱ ح ۹)

۹. تکریم فرزند

از اخلاق اجتماعی و آداب رفتاری نیک آن است که انسان به‌ویژه در خانواده و نسبت به زن و فرزند با احترام و کرامت برخورد کند.

أَبُوالْحُسَیْن بْنُ مُحَمّدِ بْنِ أَبی عُبّادٍ که کاتب امام رضا(ع) بود می‌گوید: امام رضا فرزند خود امام محمد تقی را در حالی که کودکی بیش در مدینه نبود، جز با کنیه‌اش یاد نمی‌کرد و می‌فرمود: پسرم ابوجعفر به من این چنین نوشته و از او با تعظیم یاد می‌کرد و در هنگامی که آفتاب بالا می‌آمد، سپس برای رسیدگی به امور مردم می‌نشست و یا سوار شده پی کارهای دیگر می‌رفت. (بحارالانوار ۴۹: ۹۰ ضمن ح ۲)

اصولا بندگان خاصّ خدا، هم پیوندی استوار با خداوند دارند، هم ارتباط خوبی با بندگان. رسیدگی به مشکلات مردم و رفع نیازهای آنان نیز از عبادت‌های بزرگ است و باید از خدا توفیق طلبید تا از دست ما خیری به مردم برسد.

۱۲. مهمان‌نوازی

اکرام و احترام به مهمان و افتخار میزبانی را معصومان(ع) از اجداد طاهرین خود از حضرت ابراهیم(ع) و حضرت لوط(ع) و حضرت پیامبر(ص) به یادگار دارند. اینان هرگز دست از مهمان‌نوازی بر نمی‌داشتند و خود را مفتخر به میزبانی می‌کردند.

عبید بن ابی عبدالله بغدادی از شخصی نقل می‌کند که گفت: در محضر امام رضا(ع) بودم که میهمانی بر او وارد شد، هنگامی که امام با میهمان مشغول صحبت بود، شعله چراغ تغییر کرد، میهمان دستش را دراز کرد تا آن را اصلاح کند، امام(ع) او را از این کار بازداشت و خودش آن را اصلاح نمود، سپس فرمود: «ما مردمی هستیم که میهمانان خود را به کار نمی‌گماریم».(بحارالانوار ۴۹: ۱۰۲ ح ۲۰)

۱۳. امر به معروف و نصیحت زمامدار

امر به معروف و نهی از منکر، خصوصاً نسبت به مسئولان و مجریان، از تکالیف سنگین است و گفتن سخن حق در برابر حکّام ستمگر، جهادی بزرگ محسوب می‌شود. تذکّر خصوصی به مأمون، برای آن بود که خشم او برانگیخته نشود و موعظه امام را بهتر بپذیرد. امام حسین(ع) برای اقامه همین فریضه الهی به شهادت رسید؛ زیرا هرگز دین بدون اقامه این فریضه برپا نمی‌شود.

امام رضا(ع) نیز به حکم وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر را از جمله واجبات اولیه دانسته و بدان اهتمام می‌ورزید و حتی حاضر بود در انجام این فریضه به‌ویژه در امور اجتماعی جان خویش را فدا کند.

شیخ مفید(ره) می‌گوید: امام رضا(ع) هنگامی که با مأمون خلوت می‌کرد او را زیاد موعظه می‌نمود و از خدا می‌ترساند و کارهای خلافی را که مرتکب می‌شد تقبیح می‌کرد. مأمون در ظاهر اظهار قبول کرده و ناراحتی و سنگینی آن را پنهان می‌ساخت. (بحارالانوار ۴۹: ۳۰۸ ح ۱۸)

۱۴. برخورد خوش با زیردستان

احترام و تکریم زیردستان و خدمتگزاران در سیره امامان(ع) مثال‌زدنی است. هر کسی که می‌خواهد مسلمانی کند باید این را بیاموزد و با زیردستان خویش این‌گونه رفتار کند که اوج تواضع و فروتنی نیز است.

نادر، خدمتگزار امام می‌گوید: امام رضا حلوای گردویی را لقمه کرده و به من می‌داد. (محاسن برقی ۲: ۲۰۰ ح ۱۵۸۴)

ریشه و خاستگاه این رفتار صمیمی و متواضعانه با زیردستان و خادمان، همان روح ایمانی است که در نهاد انسان است. همین رویه موجب می‌شود تا الفت و انس میان مومنان و مسلمانان افزایش یابد و روحیه برادری و اخوّت را می‌افزاید و محبّت به دنبال می‌آورد.

در روایت دیگری درباره برخورد امام با خدمه در سرسفره، نادر خدمتگزار امام می‌گوید: امام هنگام غذا خوردن یکی از ما خدمتگزاران هیچ کاری از او نمی‌خواست تا اینکه از غذایش دست می‌کشید. (کافی ۶: ۲۹۸ ح ۱۱)

از نظر اسلام غلامان و خدمتگزاران از نظر انسانی حق و حقوقی دارند و خصلت انسانی ایجاب می‌کند که به آنها توجّه شود. نحوه رفتار امام با خدمتگزاران و مدارا با آنان، الگوی همه مسئولان و دولتمردانی است که زیردستانی دارند، تا حق انسانی آنان را محترم بشمارند و به عواطف، احساسات، نیازها و استراحتشان توجه داشته باشند و فرصتی برای کارهای شخصی و خورد و خوراک به آنان بدهند.

یاسر، خدمتگزار دیگر امام می‌گوید: امام رضا(ع) هر وقت فرصت پیدا می‌کرد همه خدمتگزاران را از کوچک و بزرگ دور خود جمع می‌کرد و با آنان به گفت‌وگو می‌نشست و آنان هم با او اُنس پیدا می‌کردند و هرگاه سر سفره می‌نشست، از هیچ‌کدام آنان غفلت نمی‌کرد، چه کوچک و چه بزرگ، حتی اصطبل‌دار و حجامتگر را هم کنار خودش بر سر سفره می‌نشاند. (عیون اخبارالرضا ۲: ۱۷۰ و ۱۹۷ ح ۲۴، بحارالانوار ۶۶: ۳۵۱ ح ۱)

این سلوک امام(ع) بر اساس اصل قرآنی اکرام بر اساس تقوای الهی است. خداوند می‌فرماید: ما همه شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را قبیله قبیله و گروه گروه قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید و گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. (حجرات، آیه ۱۳).

امام(ع) به جزئیات ریز امور توجه داشت و هرگز اجازه نمی‌داد که حق کارگری ضایع و تباه شود. سلیمان بن جعفر جعفری گوید: برای انجام کاری پیش امام رضا(ع) رفته بودم، او با معتّب به خانه‌اش وارد شد، دید غلامانش گِل‌کاری می‌کنند و کارگر غریبی را نیز به کار گمارده‌اند. فرمود: آیا مزدش را تعیین کرده‌اید، گفتند: نه، فرمود: چندین بار من شما را از انجام این کار نهی کرده‌ام و گفته‌ام: هیچکس را برای کاری استخدام نکنید مگر اینکه قبلاً اجرتش را معیّن کرده باشید. (کافی ۵: ۲۸۸ ح ۱)

تعیین اجرت کارگر، از بروز اختلاف پیشگیری می کند و وقتی پرداخت شود، راضی است. امّا بدون آن، هم اختلاف پیش می آید، هم فکر می‌کند حق کامل او پرداخت نشده است.

آداب زیارت امام رضا(ع)

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR برخی آداب زیارت امام رضا(ع) را که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از پاسداران سپاه حفاظت ولی امر در تاریخ ۸۲/۶/۱ بیان کرده‌اند، در جدول زیر منتشر کرده است:

نکاتی درباره آداب زیارت امام رضا(ع)	
۱	به حضور امام توجه کنید	شرط اوّل قبولی زیارت این است که با حضرت «ملاقات» کنید؛ یعنی رفتنِ حرم و آمدن، صِرف رفتن به یک مکان و بیرون آمدن نباشد؛ آنجا یک موجودی و یک روح والایی حضور دارد؛ به این حضور توجّه بکنید.
۲	با امام حرف بزنید	به چشم، دیدن لازمه ملاقات نیست؛ او هست و سخن شما را می‌شنود، حضور شما را می‌بیند، شخص شما را می‌بیند، با او حرف بزنید؛ این شد زیارت. زیارت یعنی همین ملاقات.
۳	سلام بدهید	انسان وقتی به ملاقات کسی می‌رود، با او احوالپرسی می‌کند، به او سلام می‌کند؛ در ملاقات روح مطهّر ائمّه (علیهم‌السّلام) و اولیاء الهی [هم] لازم است؛ باید رفت، سلام کرد، عرض ادب کرد.
٤	با هر زبانی زیارت کنید	[زیارت] به هر زبانی هم می‌شود؛ [اگر] به همین زبان معمولی خودمان حرف بزنیم، این آداب ملاقات و زیارت صورت گرفته.
٥	زیارتهای ائمه را بخوانید	اگر بخواهیم با یک بیان شیوا و با مضامین خوبی حرف بزنیم، آن همین زیارتهایی است مثل زیارت مخصوصه امام رضا، زیارت امین‌الله یا زیارت جامعه.
٦	با دل حرف بزنید	با دل حرف بزنید. سعی کنید ولو دو دقیقه، ولو پنج دقیقه، دل را فارغ کنید از بقیّه شاغلها و متّصل کنید به معنویّتی که در آنجا حضور دارد و حرفتان را بزنید.
۷	زیارت جامعه کبیره بخوانید	زیارت جامعه مثلاً شش هفت صفحه است، وقت کردید همه‌اش را بخوانید، وقت نکردید یک صفحه‌اش یا نصف صفحه‌اش را بخوانید.
۸	در زیارت به مخاطب آن متوجه باشید	در حالی‌که متن زیارت را می‌خوانید، ولو معنایش را هم ندانید، متوجّه باشید دارید خطاب به چه کسی می‌خوانید. اگر این شد، آن وقت می‌شود زیارت.
۹	دلتان به امام متصل باشد	بعضی‌ها خیال می‌کنند باید بروند حتماً به ضریح بچسبند! اینها چون دلهایشان وصل نمی‌شود، می‌خواهند جسمها را وصل کنند؛ چه فایده دارد؟ یکی هم ممکن است دورتر باشد، امّا دلش متّصل باشد؛ این خوب است.
۱۰	داخل حرم، نماز بخوانید، ذکر بگویید	در داخل حرم نماز بخوانید، نماز قضا بخوانید، نماز واجب بخوانید، نماز مستحبّی بخوانید، نماز برای پدر و مادر بخوانید، ذکر بگویید -لااله‌الّاالله بگویید، تسبیحات اربعه بگویید- به شرطی که دل وصل باشد.

چراغ راه

ریاست‌طلبی، مهلکه است

قال الامام الرضا(ع): «من طلب الرئاسة لنفسه هلک»

امام رضا(ع) فرمود: هرکس در دل طالب ریاست برای منافع خودش باشد هلاک می‌شود.[1]

۱- بحارالانوار، ح ،ص ۳۰۸

حکایت خوبان

استدلال امام رضا(ع) به مخالفین پذیرش ولایتعهدی

برخی به امام رضا(ع) اعتراض کردند که چرا همین مقدار اسم تو آمد جزء اینها(نظام مامونی)؟

حضرت فرمود: آیا پیغمبران شأنشان بالاتر است یا اوصیای پیغمبران؟ گفتند: پیغمبران.

امام فرمود: یک پادشاه مشرک بدتر است یا یک پادشاه مسلمان فاسق؟ گفتند: پادشاه مشرک. فرمود: آن کسی که همکاری را با تقاضا بکند بالاتر است یا کسی که به زور به او تحمیل کنند؟ گفتند: آن کسی که با تقاضا همکاری بکند. فرمود: یوسف صدیق پیغمبر است. عزیز مصر کافر و مشرک بود، و یوسف(ع) خودش تقاضا کرد که: اجعلنی علی خزائن الارض، انی حفیظ علیم» (یوسف- ۵۵) چون می‌خواست پستی را اشغال کند که از آن پست حسن استفاده کند. تازه عزیز مصر کافر بود، مامون مسلمان فاسقی است. یوسف(ع) پیغمبر بود، من وصی پیغمبر هستم. او پیشنهاد کرد و مرا مجبور کردند. صرف این قضیه که نمی‌شود مورد ایراد واقع شود.[1]

۱- سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۰۶

پرسش و پاسخ

همکاری با خلفای جور

پرسش:

از نظر ائمه اطهار(ع) همکاری با خلفای جور چه حکمی دارد؟ آیا به طور مطلق نفی می‌کردند یا برای برخی افراد با شرایطی مجوز همکاری صادر می‌کردند؟

پاسخ:

نفی همکاری به نفع دستگاه ظالم

ائمه بزرگوار ما هرگاه همکاری برخی شیعیان و اصحاب را که به نفع نظام حاکم جور تمام می‌شد می‌دیدند، به طور مطلق آن را منع کرده و به هیچ وجه جایز نمی‌دانستند. به تعبیر دیگر هر گونه تعامل و همکاری با حاکم جور و نظام ستمگر که منجر به تقویت ظلم آن نظام گردد به هیچ وجه جایز نیست. «صفوان جمال» که شیعه امام موسی‌بن جعفر(ع) است، شترهایش را برای سفر حج به هارون کرایه می‌دهد و می‌آید خدمت موسی بن جعفر(ع). حضرت به او می‌گوید: تو همه چیزت خوب است الا یک چیزت. می‌گوید: چه؟ می‌فرماید: چرا شترهایت را به هارون کرایه دادی؟ می‌گوید: من که کار بدی نکردم، برای سفر حج بود، برای کار بدی نبود! فرمود: برای سفر حج هم نباید چنین می‌کردی. بعد فرمود: لابد پس کرایه‌اش باقی مانده است که بعد باید بگیری. عرض کرد: بله. فرمود: ولابد اگر به تو بگویند: چنانچه هارون همین الان از بین برود راضی هستی یا راضی نیستی. دلت می‌خواهد که طلب تو را بدهد و بعد بمیرد. این مقدار راضی به بقای او هستی. گفت: بله. فرمود: همین مقدار راضی بودن به بقایِ ظالم گناه است. صفوان که یک شیعه خالص است ولی سوابق زیادی با هارون دارد فوراً رفت و تمام وسایل کار خود را یکجا فروخت (او حمل و نقل‌دار بود) به هارون خبر دادند که صفوان هر چه شتر و وسایل حمل و نقل داشته، همه را یکجا فروخته است. هارون احضارش کرد، گفت: چرا این کار را کردی؟ گفت: دیگر پیر شده‌ام و از کار مانده‌ام. نمی‌توانم بچه‌هایم را خوب اداره کنم. فکر کردم که دیگر از این کار به کلی صرف نظر کنم.هارون گفت: راستش را بگو. گفت: همین است. هارون خیلی زیرک بود. گفت: آیا می‌خواهی بگویم قضیه چیست؟ من فکر می‌کنم بعد از اینکه تو با من این قرارداد معامله را بستی. موسی بن جعفر به تو اشاره‌ای کرده. گفت: نه این حرفها نیست... هارون گفت: بیخود انکار نکن. اگر آن سوابق چندین ساله‌ای که من با تو دارم نبود همین جا دستور می‌دادم گردنت را بزنند. (سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، شهید مطهری(ره)، ص ۲۰۵)

همکاری مشروط

ائمه گرامی ما در مواردی خاص و با شرایطی، همکاری با دستگاه ظلم و جور خلفا را بخاطر نیل به برخی اهداف اسلامی تجویز و بلکه تشویق می‌نمودند. آری همین ائمه(ع) که همکاری با خلفا را تا این حد در قضیه «صفوان جمال» نهی و ممنوع می‌کنند در عین حال اگر کسی همکاری‌اش، به نفع جامعه مسلمین باشد، آنجا که می‌رود تا از مظالم و شرور بکاهد، یعنی در جهت هدف و مسلک خود فعالیت کند، نه آن کاری که صفوان جمال کرد که فقط تایید و همکاری است. این همکاری را جایز می‌دانند. یک وقت یک کسی می‌رود پستی را در دستگاه ظلم اشغال می‌کند برای اینکه از این پست و مقام حسن استفاده را کند، این همان چیزی است که فقه ما اجازه می‌دهد. سیره ائمه(ع) اجازه می‌دهد. قرآن هم اجازه می‌دهد. (همان)

آری موسی‌بن‌جعفر(ع)، که «صفوان جمال» را شدیدا از همکاری با هارون منع می‌کند، «علی‌بن یقطین» را که محرمانه با او سر و سری دارد و شیعه است و تشییع خود را کتمان می‌کند تشویق می